



اساس سوسیالیسم انسان است  
چه در ظرفیت جمعی و چه فردی.  
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.

منصور حکمت

۲۶۴

برای

# یک دنیای بهتر

نشریه حزب اتحاد کمونیسم کارگری

Weekly publication of Worker - communism Unity Party

۲۵ ژوئیه ۲۰۱۲ - ۴ مرداد ۱۳۹۱

چهارشنبه ها منتشر میشود

e.mail: [siavash\\_d@yahoo.com](mailto:siavash_d@yahoo.com)

سردبیر: سیاوش دانشور

## علیه گرانی و فقر!

وظایف فوری کمونیسم و طبقه کارگر



یادداشت سردبیر،

سیاوش دانشور

## گرانی و فقر و فلاکت

چشم اندازها، چه باید کرد؟  
با هیئت داور دفتر سیاسی حزب



علی جوادی، جلیل بهروزی،  
سیاوش دانشور

صفحه ۳



## نیشاپور

### آینده را ترسیم میکند!

اعتراض مردم محروم علیه کمبود مرغ و واکنشهای تند حکومتها اولین بارقه وضعیتی است که بسرعت کل جامعه را درمینوردد. فقر و فلاکت و گرانی امروز به یک محور سیاست و یک قلمرو مهم نبرد طبقاتی در ایران تبدیل شده است.

نیشاپور آینده را ترسیم میکند. آینده ای که قیام و شورش گرسنگان، اعتراض علیه فقر و فلاکت اقتصادی، اعتراض علیه حکومت و نظامی که بانی این وضعیت است، به یک محور و چهارچوب اصلی سیاست تبدیل میشود. نه حکومت اسلامی با باندهای متفرقه اش و نه بورژوازی ایران در کلیت آن، پاسخی بلافصل و روشن به معضل بیکاری و گرانی و فقر و فلاکت شدید در ایران ندارد.

ایران میرود که صحنه "انقلاب برای نان و آزادی" باشد. انقلابی که نظام سرمایه داری و ارکان اساسی آن یعنی اختناق سیاسی و فقر اقتصادی را نشانه میگیرد. انقلابی که نیروی واقعی آن طبقه کارگر، و میلیونها مردم زحمتکش است که فی الحال به بیرون و حاشیه اقتصاد پرتاب شده اند و نفس بقای روزانه سوال اساسی آنهاست.

دوره جدیدی برای فعالیت جنبش کمونیسم کارگری و اردوی آزادی و برابری و رفاه در جامعه آغاز میشود. وظیفه کمونیسم امروز پاسخ دادن عملی و پراتیک به محدودیتهای این جدال، سازماندهی آن، و تبدیل آن به تخته پرش یک پیروزی سوسیالیستی است. \*

## کنگره دوم

حزب اتحاد کمونیسم کارگری برگزار میشود

## قرار در مورد

تحولات در حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

## سیاست یا رقابت فرقه ای کور؟

پاسخ به همایون ایوانی



صفحه ۹

شهلا نوری

## بحران آخر:

ریشه های سیاسی بن بست  
اقتصادی رژیم اسلامی

منصور حکمت

## در صفحات دیگر:

شرکت قطعات خودرو هنگام سعی،  
کارگران معدن گچ گرمسار، زنده باد  
شورها، اطلاعیه سازمان آزادی زن  
خطاب به جنبش زنان در سوریه

رهبری، بعنوان سه رکن مهم تضمین پیشروی و پیروزی است. تبدیل شورش کور به شورش آگاهانه و سازماندهی اعتراض علیه وضعیت موجود درگرو تامین این سه رکن اساسی است.

۶- کمونیسیم و طبقه کارگر باید در راس مبارزه علیه فقر و گرسنگی و وضعیت فلاکت‌آورد اقتصاد قرار گیرند. در این مبارزه یک هدف استراتژیک ما خارج کردن کنترل پروسه تولید و توزیع کالاها و اقلام مورد نیاز پایه ای مردم از مکانیزم و تسلط بازار است. دسترسی و برخورداری از غذا و آموزش و بهداشت و سلامتی، نه یک امتیاز ویژه طبقات دارا، بلکه حق پایه ای همگان و هدف عمومی ما در این مبارزه است. هر انسانی به محض چشم گشودن به این جهان باید از تمامی نیازهای انسانی برخوردار شود. از اینرو مبارزه برای وادار کردن دولت سرمایه به دادن سوبسید به اقلام مورد نیاز زندگی مردم و تامین بیمه های اجتماعی رکن دیگر سیاست ماست. ایجاد سازمانهای توده ای علیه فقر، برگزاری مجامع عمومی کارگری در مراکز مهم تولید مواد غذایی و نیازهای مردم، برگزاری مجامع عمومی در محلات کارگری و فقر زده، سازمان دادن ایجاد شبکه های متنوع علیه گرسنگی و فقر، شرط اساسی پیشبرد چنین استراتژی و سیاستی است. باید در هر گوشه جامعه پرچمی علیه فقر و فلاکت اقتصادی برافراشت.

۷- حزب اتحاد کمونیسیم کارگری توجه پیشروان طبقه کارگر، رهبران سوسیالیست و کمونیست طبقه، فعالین اردوی آزادی و برابری و رفاه را به این اوضاع خطرناک جلب میکند.

حزب اتحاد کمونیسیم کارگری طبقه کارگر و مردم آزادیخواه را به متشکل شدن و مقابله با موج فقر و فلاکت و گرانی علیه نظام سرمایه داری و حکومت اسلامی فرامیخواند!

مصوب پلنوم سوم حزب به اتفاق آراء، ژوئن ۲۰۰۸

## علیه گرانی و فقر!

### وظایف فوری کمونیسیم و طبقه کارگر

نتیجتاً این وضعیت پیش آمده است. این حکومت مافیایی سرمایه و اسلام در ایران است. سران رژیم اسلامی خود از بزرگترین سران مافیای اقتصادی در ایران هستند. کارگران و مردم گرسنه در این جدال نباید به دنباله کشمکش و رقابت بخشهای مختلف سرمایه تبدیل شوند. کمونیسیم و طبقه کارگر بر استقلال طبقاتی اش از سرمایه و جناحهای دولتی و غیر دولتی بورژوازی، بر جنبش و راه حل مستقل اش، و بر مطالبات و نیازهای فوری خود و اکثریت عظیم مردم در مقابله با این اوضاع تاکید میکند. مبارزه علیه فقر، که مبارزه ای برای رفع نیازهای فوری کارگران و مردم است، در عین حال جبهه مهمی از مبارزه علیه حکومت و قدرت سیاسی و اقتصادی سرمایه در ایران است. این دوره ای است که بیش از هر زمان کارگر و اعتراض و مطالبات کارگری جایگاه مهمتری در سیاست و نگرش و سمبلیسی سیاسی توده مردم مخالف رژیم اسلامی پیدا میکند.

۵- مبارزه و اعتراض علیه این شرایط دهشتناک یک واقعیت انکار ناپذیر است. اعتراض و شورش علیه وضعیت موجود یکی از اشکال محتمل اعتراض در چنین وضعیتی است. اما در این شرایط مخاطراتی مبارزات طبقه کارگر و جنبش آزادی و برابری و رفاه را تهدید میکند که کمونیسیم و کارگران پیشرو و سوسیالیست باید آنها را بشناسند و راه حل واقعی و عملی در مقابل آن ارائه دهند.

واقعیت اینست که شورش علیه فقر و گرسنگی، بدون سازمان و بدون رهبری و بدون تشکل و آمادگی و افق روشن سیاسی در مقیاس سراسری، به تحرك و اعتراضی کور تبدیل میشود. نتیجه چنین وضعیتی، علیرغم حقانیتی که دارد، سرکوب و شکست است. ارکان سیاست و تاکتیک حزب در مواجهه با این اوضاع، متشکل کردن توده طبقه کارگر و مردم گرسنه علیه فقر و فلاکت، ترسیم افق و سازمان و

نیز راه حلی ریشه ای برای نابودی فقر ندارند. اپوزیسیون پرو غرب نه تنها وعده بهبود این اوضاع را نمیدهد، بلکه چند نسل از کارگران را به جان کندن برای بازسازی سرمایه داری و "خرابیهای ناشی از عملکرد حکومت اسلامی" فرا میخواند. جریانات ملی- اسلامی اپوزیسیون مسئله فقر و گرانی را ابزاری در خدمت جنگ جناحی می بینند و عموماً سیاستهای ناسیونالیستی را مطرح میکنند. برخی از جریانات "چپ رایکال" یا گسترش فقر را ابزاری در خدمت شورش و عصیان مردم علیه رژیم تلقی میکنند یا با طرح سیاستهای آنارکوپاسیفیستی از سازماندهی توده ای و کارگری علیه فقر طفره میروند. حزب اتحاد کمونیسیم کارگری مبارزه علیه فقر و فلاکت و گرانی را مبارزه ای حیاتی علیه نظام سرمایه داری و حکومت اسلامی و جزیی از مبارزه بیوقفه برای بهبود دائمی معیشت طبقه کارگر و مردم میدانند. بدرجه ای که طبقه کارگر و جنبشهای اعتراضی بتوانند حاکمیت سرمایه و رژیمشان را در تحمیل فقر و فلاکت بیشتر عقب برانند، به همان درجه شرایط برای سرنگونی رژیم اسلامی و برپایی یک انقلاب عظیم کارگری علیه وضع موجود فراهم تر میشود.

۴- حزب اتحاد کمونیسیم کارگری و جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر، نظام سرمایه داری را مسبب مستقیم فقر و فلاکت و بیکاری و گرانی و گرسنگی و مصائب اجتماعی ناشی از آن میدانند. رژیم اسلامی، حکومت مشتی کانگستر سیاسی- نظامی و باندهای اقتصادی مافیایی است که بر تمام امکانات جامعه چنگ انداخته اند. مساله این نیست که گویا "مافیای اقتصادی" نمیگذارد دولت کارش را بکند و

۱- گسترش فقر و فلاکت، گرسنگی و سوتغذیه، گرانی سرسام آور و ناتوانی اکثر مزدبگیران جامعه از تامین نیازهای پایه ای خویش، گسترش بیکاری، سازیها و اخراج گسترده کارگران، افزایش کار قراردادی و سفید امضا، گسترش وسیع شرکتیهای پیمانی که کمترین دستمزدها را به کارگر میپردازند، فقدان سیستم رفاه اجتماعی و عدم دسترسی مکفی به بهداشت و درمان و آموزش و مسکن، جامعه را در آستانه یک بحران عمیق سیاسی و اجتماعی قرار داده است. در شرایطی که فقر و گرانی کمر مردم را خرد کرده است، و مردمی ناراضی و منزجر هر روز بیشتر قربانی این اوضاع میشوند، شورش گرسنگان علیه وضع موجود یک چشم انداز واقعی است. وظیفه فوری جنبش کمونیستی کارگران، سازماندهی این پتانسیل اعتراضی طبقه کارگر و مردم زحمتکش و تبدیل آن به جنبشی خودآگاه و انقلابی علیه سرمایه داری و نظام اسلامی حاکم است.

۲- با تشدید گرانی و گسترش فقر و بروز پیامدها و مصائب اجتماعی ناشی از آن، جناح های مختلف بورژوازی تلاش میکنند یکدیگر را مسبب این اوضاع فاجعه بار قلمداد کنند. تز مقابله با "مافیای اقتصادی"، نقد به "واردات بی رویه"، سیاست "حمایت از تولیدات داخلی" و کلا دیدگاههای ناسیونالیستی و پروتکشنیستی، نه نسخه ای برای درمان این اوضاع بلکه تلاشی آگاهانه برای خارج کردن مسبب واقعی این وضعیت، یعنی نظام سرمایه داری و کل حکومت مرتجع اسلامی از تیررس تعرض و اعتراض کارگران و مردم گرسنه است. در عین حال طرح این سیاستها تلاشی برای پاسحگویی به فشار پائینی ها از جانب بالائی ها است که به سهم خود به جدال درون حکومتی برسر کنترل اوضاع و نفس بقای حکومت دامن میزند. جمهوری اسلامی نه میخواهد و نه میتواند این اوضاع را تخفیف دهد. تحمیل فقر و فلاکت یک سیاست رژیم اسلامی برای بزانو درآوردن کارگران و مردم زحمتکش است.

۳- نه فقط جمهوری اسلامی، بلکه دیگر نیروهای بورژوازی اپوزیسیون



# گرانی و فقر و فلاکت چشم اندازها، چه باید کرد؟

با هیئت دائر دفتر سیاسی حزب

مرغ و گاو و گوسفند نظارت کند!؟

مسلمانان در چنین شرایطی، در شرایطی که مردم فریاد میزنند "مرگ بر گرانی" رژیم به بهانه های متفاوت و متعددی علاوه بر خط و نشان کشیدن و تهدید کردن متوسل میشود. و چرا که نه؟ آیا وقاحت اسلامی را هم حد و حصری هست؟

برخی اوباش حکومت اسلامی میکوشند کاسه و کوزه ها را بر سر دولت احمدی نژاد خراب کنند، این دعوای داخلی از نظر مردم تماما بی ارزش است. مردم کل این حکومت را مقصر میدانند. حرف مردم این است رژیمی که نمیتواند حتی اقلام اولیه مورد نیاز مردم را تامین کند باید گورش را گم کند. همین!

**یک دنیای بهتر:** در میان حکومتیها و جناح های متفرقه شان تلاش میشود دلایل مختلفی در مورد گرانی و فلاکت مردم آورده شود. اگر بخشی این و آن عنصر و یا نهاد دولتی را مقصر قلمداد میکنند، بخش دیگری روی سیاستهای "واردات بی رویه" و "عدم حمایت از تولیدات داخلی" و یا "عدم اجرای درست" سیاست حذف سوبسیدها انگشت میگذارند. اولاً پاسخگان به این استدلالها چیست و ثانیاً در تقابل با این سیاستها، کمونیستها و پیشروان کارگری باید چه تبیین و سیاستی را از وضع موجود میان جامعه ببرند؟

**جلیل بهروزی:** بهر حال جامعه انتظار ندارد که حکومت اسلامی و یا جناحهای بیرون افتاده از آن جز عوامفریبی در توضیح علل گرانی چیز دیگری در چنته داشته باشند. البته اینها قبیح تر از آن هستند و از

در کنار ارتش و سپاه و بسیج و سایر اوباش سرکوبگرش است.

معمولاً در اقتصاد سرمایه داری متکی بر بازار آزاد عرضه و تقاضا تعیین کننده قیمتها هستند. و معمولاً افزایش تقاضا عاملی در افزایش قیمتها است. اما در اقتصاد ورشکسته حاکم در ایران این افزایش تقاضا نیست که منجر به افزایش قیمتها میشود بلکه بر عکس این کمبود و احتکار کالاهاست که منجر به افزایش قیمتها میشود.

گرانی بیداد میکند چرا که متوسط قیمت کالاهای مورد نیاز مردم حتی بالاتر از قیمت کالاهای مشابه در سایر جوامع سرمایه داری غربی و از جمله آمریکا و اروپا است. گرانی بیداد میکند چرا که متوسط سطح دستمزد کارگران و مردم کارکن حدود یک دهم متوسط دستمزد کارگران در جوامع غربی است. گرانی بیداد میکند چرا که رژیم اسلامی در یک تهاجم ضد انسانی تمامی سوبسیدهای دولتی را در زمینه اقلام اولیه زندگی حذف کرد. گرانی بیداد میکند چرا تقابل دو قطب تروریستی در جهان معاصر یک سوی آن رژیم اسلامی است عملاً بر معضلات اقتصادی جامعه افزوده است. گرانی بیداد میکند چرا که سران رژیم اسلامی رسماً اعلام کرده اند که "انقلاب نکردند تا مردم نان و آب داشته باشند!"! اخیراً هم اعلام کرده اند که کمبود مرغ ناشی کمبود آخوند در خارج کشور است که بر ذبح اسلامی

**یک دنیای بهتر:** گرانی در ایران بیداد میکند. مردم به تنگ آمده اند. جمهوری اسلامی تلاش میکند وضعیت را توجیه کند و در موارد مشخص مقصر را این و آن دستگاه اداری و یا دولتی و یا تحریمهای اقتصادی قلمداد کند. شرایط کنونی محصول کدام وضعیت و ناشی از کدام سیاستهاست؟

**علی جوادی:** بدون تردید وضعیت اقتصادی و یا روشن تر بگویم فلاکت اقتصادی کنونی بیش از هر چیز محصول و عملکرد سیاستهای رژیم اسلامی و طبقه سرمایه داری حاکم است. چنین وضعیتی ابداع تصادفی و یا اصولاً ناخواسته نیست. به فقر و فلاکت کشاندن مردم یک رکن سیاست اقتصادی رژیم اسلامی است. البته در کنار این فقر و فلاکت گسترده ما شاهد ثروت بیکران و سرسام آور اقلیتی استثمارگر و چپاولگر هستیم.

این رژیم اسلامی است. در بعد اقتصادی یعنی فقر اکثریت عظیم توده های مردم و ثروت بی همتای حاکمان اسلامی و همپالگانشان. رژیم اسلامی از به فقر و فلاکت کشاندن جامعه اهداف هم اقتصادی و هم سیاسی دنبال میکند. نه تنها وحشیانه استثمار میکند و هر روز سهم اکثریت جامعه از محصولات تولید شده و ثروت جامعه را تقلیل میدهد بلکه اهداف سیاسی روشنی هم در این چهارچوب دنبال میکند. سیاسی چرا که فقر را عاملی در جهت تقلیل توان اعتراضی جامعه میدانند. فقر گسترده توده های مردم کارگر و زحمتکش و ناتوانی در تحرک اجتماعی، یک سلاح و یک ابزار در دست رژیم اسلامی

تلاش و تک و تا نمیافتند. ولی گمان نمیکند "استدلال" شان حتی خریداری میان خودبهاشان هم داشته باشد. جالب این که سبیل جهالت و فضاحتشان، احمدی نژاد گفته نميخواهد علل گرانی را بگوید چرا که دشمنان "ملت" را خوشحال خواهد کرد. اینها از فردای روی کار آمدنشان تمام تلاششان این بوده که حکومت پوسیده شان را حفظ کنند. حتی به همان تعبیر سرمایه دارانه اش نه برنامه ای برای اقتصاد جامعه داشتند و نه اساساً اقتصاد مسئله شان بوده است. رهبرشان همان فردای قدرت گیری گفت که اقتصاد پالان خر است. تا حال اساساً با اتکا به سرمایه های نفتی و به زور چماق و سرکوب توانستند خود را سرجا نگاه دارند. برای اینها "اقتصاد" عین سیاست بوده است. الان هم فشار جامعه مجبورشان کرده بدنبال "توضیحات" اقتصادی بگردند. کسی جدی شان نمیگیرد و فکر نمیکنم که چندان اهمیت داشته باشد که پروپاگانداهای اینها را پاسخ داد. لازم نیست که اقتصاد خوانده باشید تا بدانید که در چهارچوب همه نظامهایی که مبنایش بر تولید سود است و بازار تعیین کننده قیمتهاست، هر زمان که تقاضا بر عرضه بچربد، قیمتها بالا میروند. میتوان گفت در شرایط حاضر محدود شدن واردات بر قیمتها تاثیر گذاشته است. ولی اینها میگویند واردات "بی رویه". این را نمیفهمم. منظور واردات بسیار زیاد است؟ این که موجب پایین آمدن قیمتها میشود و نه برعکس! و یا شاید منظورشان



## گرانی و فقر و فلاکت چشم اندازها، چه باید کرد؟

با هیئت دائر دفتر سیاسی حزب ...

یک دو راهی تعیین کننده رسانده است.

**یک دنیای بهتر:** دورنمای شورش گرسنگان، قیام علیه گرانی و فقر و فلاکت عناوینی بوده که توسط حزب سالهای گذشته عنوان شده است. مردم نیشاپور با شعار "ننگ بر گرانی" علیه کمبود مرغ فریاد زدند و حکومتها واکنشهای تندى نشان داده اند. جایگاه سیاسی این اعتراض چیست؟ واکنش تند حکومتها از سر قدرت است یا استیصال؟

**سیاوش دانشور:** قطعنامه حزب و رئیس نقد و سیاست ما مجددا در همین شماره نشریه منتشر شده است. طی این سالها موارد متعددی اعتراض پراکنده علیه گرانی داشته ایم. حتی مردم محرومی که به زور و تحمق پای سخنرانی و سفر استانی احمدی نژاد و سران حکومتی آورده میشوند، بارها با فریاد "ما گرسنه ایم"، "بیکاری، بیکاری"، "رئیس دولت نان نداریم" و ... اعتراض کرده اند. وضعیت امروز اما بسیار متفاوت است. بحران اقتصادی حاد شده است، اجرای یک مرحله از حذف سوبسیدها و فقدان هر نوع حداقل ایمنی اقتصادی، کارد را به استخوان بخش عظیمی از مردم کارگر و زحمتکش رسانده است. مسئله گرانی قبلا هم وجود داشت و ما این چشم انداز را داشتیم که طی دوره ای به یک معضل اجتماعی و لذا یک امر مهم سیاسی تبدیل میشود. امروز شبخ اعتراض علیه فقر و گرانی، اعتراض علیه حکومت فقر، کل حکومت اسلامی را در بر گرفته است. حرکت مردم نیشاپور گوشه ای از یک واقعیت عظیم اجتماعی است که بسرعت کل جامعه ایران را در بر میگیرد.

جنبه اقتصادی به قهقرا میبرد. فقر و فلاکتی که دامنگیر طبقه کارگر و اکثریت مردم را گرفته امروز به مرز نابوده فیزیکی آنان رسیده است. این آن چیزی است که ما در توضیح علل شرایط موجود میدهیم.

کارگران کمونیست و پیشروان طبقه کارگر در قبال این اوضاع توضیحات پیچیده ای ندارند. مسئله ساده است. طبقه سرمایه دار و حکومت اسلامی حافظ آن مسبب این اوضاع است و تاوانش را هم آنها باید بپردازند. مسئله سیاست اقتصادی نیست. "واردات بی رویه است"، "تولیدات داخلی باید مورد حمایت قرار گیرد" و یا "محاصره اقتصادی است" و غیره، خورک و مسکن و بهداشت نمیشود. کارگری که مزد نمیگیرد و یا نمیتواند حتی نان کافی بر سر سفره خانواده اش ببرد باید با این توقع بار بیاید که قضیه از این حرفها گذشته است. مسئله مرگ و زندگی است. در ایران اقتصاددانان رژیم و یا "سبزی" حتی نمیتوانند موقعیت خود را با بحران سرمایه داری جهانی توضیح دهند. چرا که اینها بیش از سه دهه است که جز فقر و بیکاری و بی مسکنی هیچ چیزی برای مردم نداشته اند. خیلی پیشتر از بحران حاضر مردم در ایران در مقیاس میلیونی زیر چنگال فقر و فلاکت در حال خورد شدن بودند. آن چیزی که امروز ما شاهد آن هستیم همان وضعیت است که ابعاد بیسابقه و مرگبار یافته است و طبقه کارگر و کل جامعه را بر سر

این است که واردات زیاد در گذشته باعث پایین آمدن قیمتها شده و تولیدات داخلی نتوانسته از پس رقابت برآید و ورشکسته شده و حالا که واردات کمتر گشته، بهای کالاها بالا رفته است. حتی اگر این را هم قبول کنیم باز سؤال این است "کی مقصر است؟" در کشورهای دموکراسی پارلمانی وقتی دولتها عوض میشوند و حزب دیگری روی کار میاید این آخری کاسه و کوزه ها را بر سر دولت قبلی میسکند. رژیم اسلامی حتی این بهانه را ندارد.

بیش از سی سال است که کلیت رژیم در تعیین "سیاستهای اقتصادی" که در واقع چیزی جز سیاست به نرخ روز خوری نبوده، نقش داشته است. الان به صرافت افتادند که تولیدات داخلی مورد حمایت قرار نگرفته؟ تا حال کجا بودند؟

جمهوری اسلامی رژیمی است که بر متن یک بحران عمیق سرمایه داری بروی کار آمد و در فردای قدرت گیری با جامعه ای مواجهه شد که در حال تعمیق یک انقلاب نیمه کاره بود. با سرکوب و جوخه های اعدام توانست انقلاب را به شکست بکشاند ولی نتوانست جامعه را به زیر یوغ خویش درآورد و شرایط مساعد تولید و باز تولید سرمایه داری را فراهم کند. مضاف بر این که بنا بر هویت مذهبی و اسلامی خود نمی توانست یک روبنای سیاسی مقبولی را برای سرمایه داری جهانی تامین کند و همچنان از طرف بخش عمده جهان سرمایه داری مورد غضب واقع ماند. تداوم بحران سرمایه داری و بحران حکومتی اساس توضیح وضعیت اقتصادی است که کل جامعه را از

اعتراض علیه فقر و گرانی در اساس اعتراض مبتنی بر فلاکت بخش و مناسبات مبتنی بر فلاکت بخش عظیمی از مردم توسط نظام موجود است. این اعتراضی ماهیتا چپ و علیه طیف وسیع سرمایه داران و شرکای دزدشان است. این حرکتی است که چهارچوب جدیدی به اعتراض سیاسی و اجتماعی در جامعه میدهد و در سیر پیشرفت خود تناسب قوای سیاسی را زیر و رو میکند. این اعتراضات و قیامهای آتی، علیرغم هر محدودیتی، فریاد طبقه کارگر و محرومان و گرسنگانی است که توسط سرمایه و حکومت اسلامیش له شده اند. این اعتراض و قیامی برای "نان" و علیه حکومت فقر است.

واکنش حکومتها در عین تند بودن بسیار مضحک بود. امام جمعه نیشاپور گفته دندانی که برای مرغ علیه نظام شعار دهد را خرد میکنیم! برخی اخبار نیز حاکی از آنست که لباس شخصی ها در میان مردم معترض شعار "مرگ بر کمونیست" سر داده اند. واقعیت اینست که کل حکومت و باندھایش در این ماجرا زیر فشار و هدف اعتراض اند. این دیگر نه اعتراض به "عدم اجرای قانون اساسی" است و نه تظاهرات "سکوت". این اعتراض به کل حکومتی است که با پرچم اسلام شدیدترین فقر و فلاکت را به اکثریت عظیمی تحمیل و تعداد قلیلی را به مولتی میلیاردها و طبقه حاکم تبدیل کرده است. سرمایه داری با روبنای اسلامیش مورد تعرض قرار میگیرد و واکنش تند حکومتها نیز بر همین



## گرانی و فقر و فلاکت چشم اندازها، چه باید کرد؟

با هیئت دائر دفتر سیاسی حزب ...

محلات و در شوراهای محلات است. شوراهای محلات نه تنها ظرف مناسب پیشبرد چنین مبارزه ای است بلکه در عین حال ظرفی برای دست گرفتن تولید و توزیع و تامین نیازمندیهای حیاتی جامعه است. حزب همه فعالین کارگری و رهبران عملی اعتراضی را به سازماندهی این مبارزه فرامیخواند.

**یک دنیای بهتر:** گرانی و فقر یک جبهه نبرد اصلی طبقاتی در ایران است. معنی اجتماعی این مسئله چیست؟ چگونه باید به این مسئله نگاه کرد و وظایف رهبران کارگری، رهبران عملی و اجتماعی جنبشهای آزادیخواه، نسل جدید پیشرو و زنان در قبال این وضعیت چیست؟

**جلیل بهروزی:** بدرست امروز یکبار دیگر مسئله گرانی و فقر به يك جبهه تعیین کننده جدال طبقه کارگر بدل شده است. این را هیچ نیرویی و حزبی تعیین نکرده است. معنی اجتماعی آن این است که جامعه و بطور مشخص طبقه کارگر بطور عینی و در پراتیک جاری خود با يك معضل حیاتی رو در رو است و يك انگیزه عمیق برای مقابله با و پایان دادن آن دارد. از این رو ضروری و ممکن است که برای پاسخگویی به این معضل بسیج شود و به میدان آید و کل طبقه حاکمه و حکومت آن را به جدال بکشد. يك حزب سیاسی کارگری و رادیکال میتواند با پاسخ خود به این مسئله و راه حل خود در مقابل آن مردم معترض و به جان آمده و گرسنه را حول يك

مراکز کار و تولید قرار گیرند، میتوان سیستم تولید و توزیع را از دست رژیم اسلامی و سرمایه خارج کرد. چنین کاری مسلماً مستلزم درجه بالایی از تشکل و قدرت کارگری و انقلابی در جامعه است. اما شدنی است. ممکن است. راه حل کلیدی و اساسی قضیه است. راه های دیگر تماماً آزمایش شده اند. امروز پیش از هر زمان جامعه نیازمند يك راه حل پایه ای است. تا کی میتوان تحمل کرد؟ مبارزه با این وضعیت در درجه اول محتاج سیاستهای رادیکال و انقلابی است. باید جلوی این مرگ تدریجی طبقه کارگر و توده ای زحمتکش را گرفت. باید این وضعیت را از پایه تغییر داد. راه پایه ای دیگری نیست.

اما در عین حال باید جنبش علیه گرانی و فقر و بیکاری و فلاکت را سازماندهی کرد. باید اشکال مناسب و تعیین کننده مبارزه متشکل و هدفمند را در شرایط ملتهب کنونی تعریف کرد و در برابر جامعه قرار داد. اعتراض مردم نیشابور تنها گوشه ای از اعتراض توده های مردم علیه فقر و گرانی و بیکاری است. بخش عمده این پتانسیل اعتراضی هنوز بالفعل نشده است. فریاد مرگ بر گرانی را باید همگانی کرد. این شعارها و اعتراضات و فریادها باید پایه های رژیم اسلامی سرمایه را به لرزه بیندازد. همه شهرهای ایران میتوانند مرکز مبارزه توده ای و اجتماعی علیه فقر و فلاکت و گرانی باشند.

حزب تاکیدات روشنی در این زمینه دارد. مبارزه علیه فقر و فلاکت و گرانی یک عرصه اصلی نبرد طبقاتی در جامعه است. این مبارزه را باید سازمان داد. ظرف مناسب چنین اعتراضی متشکل شدن در

اقتصادی جامعه را تعیین میکند، وضع بر همین روال خواهد بود. هیچ اصلاح و بهبودی تا زمانیکه رژیم اسلامی حاکم است در زندگی مردم ممکن نیست. رژیم اسلامی یعنی فقر. رژیم اسلامی یعنی گرسنگی و فلاکت گسترده.

اما چگونه؟ شاید چنین امری در درجه اول غیر ممکن بنظر برسد. شاید گفته شود که تا رسیدن به چنین وضعیتی چه باید کرد؟ آیا تا زمانیکه رژیم سرنگون نشده است وضع همین است؟ باید تحمل کرد؟ پاسخ مسلماً منفی است! راه حل ما هم متضمن حل نهایی و ریشه ای مساله است و هم راه حلی برای وضعیت فوری و عاجل کنونی.

مساله این است که کارگران و تولید کنندگان و توزیع کنندگان مواد غذایی و محصولات مورد نیاز زندگی مردم میتوانند این وضعیت را تغییر دهند. اگر کارگران اراده کنند، اگر کارگران متشکل شوند، میتوانند کنترل تولید و توزیع را در اختیار داشته باشند. اگر کارگران شوراها و مجامع عمومی خود را تشکیل دهند، اعلام کنند که اجازه نخواهند داد مواد غذایی به قیمت گرسنگی و محرومیت اکثریت عظیم توده مردم، عاملی در تولید سود و احتکار سرمایه دار باشد، مساله بکلی تغییر خواهد کرد. اگر توده های مردم کارگر و زحمتکش در محلات متشکل شوند و شوراهای محلی خود را ایجاد کنند و در ارتباط با شوراهای

اساس است. این واکنش غریزی سرمایه در همه جای جهان است. تفاوت در ایران اینست که با اعتراض علیه حکومت سرمایه داری، اسلام بعنوان رویای سیاسی - ایدئولوژیک آن و بمثابة توجیه کننده فقر و سیاست ریاضت اقتصادی، نیز مورد هجوم قرار میگیرد.

کارگران و رادیکالها باید آماده باشند. دوره جدیدی آغاز شده است که مهر و نشان قیام و انقلاب محرومان برای نان و آزادی را بر پیشانی خود دارد. قیام علیه فقر و فلاکت اقتصادی توسط کارگران و زحمتکشان میتواند بعنوان سکویی برای انقلاب زیر و رو کننده سوسیالیستی علیه سرمایه داری عمل کند. ما برای بهبود فوری اوضاع طبقه کارگر میکوشیم اما چشم به سرنگونی نظم کنونی و یک پیروزی سوسیالیستی دوخته ایم.

**یک دنیای بهتر:** چه باید کرد؟ کدام کانونها در جامعه میتواند منشا تحرک وسیع توده ای در قبال گرانی باشد؟ اشکال و محورهای گرهی سازماندهی در این وضعیت کدامند؟ تاکیدات حزب چیست؟

**علی جوادی:** چه باید کرد؟ باید کنترل تولید و توزیع مواد و محصولات مورد نیاز مردم را از چنگ رژیم و کنترل سرمایه خارج کرد. باید رژیم اسلامی را سرنگون کرد. باید سرمایه داری را نابود کرد. باید اقتصاد را در خدمت رفع نیازمندیهای جامعه و توده های مردم نه برای سود بکار انداخت. مادام که رژیم اسلامی سر کار است، مادام که نظام اقتصادی سرمایه داری مقدرات

# گرانی و فقر و فلاکت چشم اندازها، چه باید کرد؟

با هیئت دائر دفتر سیاسی حزب ...

اردوی راست تلاش میکند با پرچم سیاستهای ناسیونالیستی و با اتکا به سیاستهای میلیتاریستی از اعتراض مردم استفاده ابزاری کند. تلاش میکنند صرفاً دولت اسلامی و سیاستهایش را عامل بیکاری و فقر و معضلات امروز مردم معرفی کنند. تلاش میکنند سفره نظام سرمایه داری را از سفره جمهوری اسلامی جدا کنند تا بتوانند بعد از جمهوری اسلامی همین اوضاع و همین مناسبات اقتصادی نابرابر را تداوم بخشند. ناسیونالیستها و فاشیستها در کنار اسلامیه‌ها در ایندوره تلاش میکنند بجای طرح واقعی صورت مسئله مردم، بین طبقه کارگر شکاف ایجاد کنند. باید هر تلاش و سیاست ارتجاعی شان را افشا کرد و اجتماعاً شکست داد و در قلمرو سیاسی درهم کوبید.

چکیده سیاست کمونیستی اینست که بانی فقر و فلاکت اقتصادی، بانی اختناق و سرکوب، و بانی همه مشقات کنونی مردم در ایران و جهان نظام سرمایه داری حاکم است. سیاست کمونیستی کل این اوضاع را نشانه می‌رود و زیر نقد کوبنده کارگری و کمونیستی قرار میدهد. سیاست کمونیستی مکان مبارزه علیه اختناق و فقر و تلاش برای آزادی و رفاه را میان توده های وسیع طبقه کارگر میبرد و با اتکا به ظرفیتهای و محدودیتهای موجود تلاش میکند راه پیشروی را هموار کند. سیاست کمونیستی در قلمرو سازماندهی به نیروی واقعی خود کارگران و محرومان و فقر زده ها متکی میشود. از منافع آنها شروع میکند و هر حرکت و سیاست و تاکتیکش را به منافع آنها متکی میکند. سیاست کمونیستی بر استقلال طبقاتی جنبش طبقه کارگر از جنبشهای متفرقه بورژوازی تاکید دارد و این استقلال را در تمام قلمروها تأمین و تضمین میکند.

شعارهای ما در ایندوره از جمله اینهاست: "حکومت فقر نمیخواهیم"،

اپوزیسیون راست موافق تحریم اقتصادی، که دو قلو طبقاتی حکومت اسلامی اند، استراتژی شان اینست که در پس تحریم و تهاجم نظامی به قدرت برسند. لذا مردم نه فاکتوری در محاسبات سیاسی اینهاست و نه نقشی دارند. حداکثر مردم باید بصورت کنترل شده و زیر پرچم اینها تحرکی داشته باشند و بعد دنبال کار و زندگی شان بروند.

انفجار و شورش مردم علیه فقر میتواند به هر دلیلی و با هر زمینه ای بوقوع بپیوندد. مگر اعتراض به گرانی بزرین بر اثر تحریم بود؟ کسی که علیه فقر سینه اش را سپر گلوله سرمایه میکند، "عامل" این و آن نیست، بلکه شهروندی است که فرزندش گرسنه است، خودش و یا همسرش بیمار است، بیکار و بیحقوق است و دیگری چیزی برای از دست دادن ندارد. وانگهی، مردم هیچ منفعتی در دعوی اردوهای ارتجاع داخلی و بین المللی ندارند. مردم همیشه قربانی جنگ اردوهای ارتجاعی و تروریستی بوده اند. طبقه کارگر همواره مرغ عزا و عروسی دوره رونق اقتصادی، دوره بحران اقتصادی، دوره صلح سرمایه داران و دوره جنگ و کشمکش شان بوده است. کارگران موظف نیستند، متری دست شان بگیرند و حساب کنند که اعتراض شان به نفع این طرف ارتجاع است یا آنطرف ارتجاع. کارگران برای منافع مستقل و مشخص و فوری خود به میان می آیند و همین را میگویند. اتفاقاً همین اعتراض مستقل و طبقاتی و روشن و قابل حمایت است که صحنه سیاسی را تغییر میدهد و نیروهای متفرقه اسلامی و تروریستی و بورژوازی را حاشیه ای میکند.

جامعه امروز بیش از هر زمانی چشم به طبقه کارگر دوخته است. مبارزه کارگران بر علیه فقر و فلاکت میدانی است که میتواند کل جامعه را حول آنان بسیج کند. به یمن تاریخچه درخشان جنبش کارگری و کمونیستی در چند دهه گذشته، این جنبش به یک مرجع مهم جنبشهای آزادیخواهانه و مترقی در ایران بدل شده است. تنها کافی است که ماشین عظیم این طبقه به حرکت درآید، طوفانی درخواهد گرفت.

**یک دنیای بهتر:** خود حکومتیها و بخشا اپوزیسیون میگویند یک هدف تحریمهای اقتصادی اینست که مردم را با کمبود و شورش وادار کنند. پاسخ شما چیست؟ اساساً اردوی راست چگونه میتواند روی این روند تأثیر بگذارد؟ چکیده سیاست کمونیستی و شعارها و تاکتیک های مناسب در قبال وضعیت کنونی با توجه به آمادگی حکومت اسلامی برای سرکوب کدامست؟

**سیاوش دانشور:** نه معضل حکومتیها و نه معضل اپوزیسیون راست ایران در مورد تحریمهای اقتصادی، مردم نیستند. حکومتیها میخواهند بحران عمیق و بن بست شان را با فراقکنی به عوامل موثر فرعی تر مانند تحریم اقتصادی توجیه کنند. "تحریم هستیم" دروازه فراخی به روی کارفرماها و سرمایه داران متفرقه گشوده است تا استثمار طبقاتی و فشار به طبقه کارگر را به حد اعلا برسانند.

آلترناتیو انقلابی بسیج کند و تعرض ادامه دار و هدفمندی را سازمان دهد. به این اعتبار ما مسئله فقر و فلاکت را عرصه میدانیم که میتواند جدا از این که زمینه ساز یک مبارزه گسترده و میلیونی در مقابل تعرض حکومت به سطح معیشت و زندگی کارگران و مردم گردد، بلکه مسئله قدرت سیاسی و بزیر کشیدن رژیم اسلامی را به امر بلاواسطه طبقه کارگر و توده های جامعه بدل میسازد. این عرصه است که مبارزه گسترده و سازمان یافته در آن ضریب سرکوبهای و توحش عنان گسیخته از طرف رژیم را پایین آورده و بالاترین درجه حمایتها و پشتیبانیها را نیز به همراه دارد.

برای کارگران کمونیست این عرصه ای شناخته شده است. مبارزه هر روزه کارگران برای دستمزدهای معوقه، علیه اخراج و شرایط ایمنی کار و اضافه دستمزد جزئی از مبارزه بر علیه فقر و فلاکت است. اما این همه این عرصه را در بر نمیگیرد. مبارزه علیه بیکار سازی و بیکاری، مبارزه برای مسکن مناسب، مبارزه برای بیمه های درمانی و بهداشتی، مبارزه بر علیه گرانی و تورم، مبارزه بر علیه کار کودکان، همه و همه باید به اجزای ارگانیک يك مبارزه واحد بدل شوند. مجامع عمومی در محل کار و شوراهای محلی در محیط زیست باید اشکال سازماندهی این مبارزات گردند. شعارها و مطالبات مشخص باید پرچم این مبارزات بوده و در این میان شبکه رهبران کارگری و پیشروان طبقه بیشترین وظیفه را عهده دار هستند.

اطلاعیه شماره ۱

## کنگره دوم حزب اتحاد کمونیسم کارگری برگزار میشود

به اطلاع میرسانیم که کنگره دوم حزب اتحاد کمونیسم کارگری در ماههای آتی در یکی از کشورهای اروپا برگزار میشود.

نمایندگان کنگره طی دو مرحله انتخابات سراسری و محلی توسط تشکیلاتهای حزب انتخاب میشوند. ابتدا انتخابات سراسری و سپس انتخابات محلی (کشوری) برگزار میشود. در انتخابات سراسری ۲۰ نفر از نمایندگان کنگره انتخاب میشوند. همه رفقای عضو حزب حق دارند برای انتخابات سراسری کنگره کاندید شوند.

آخرین تاریخ برای اعلام کاندیداتوری انتخابات سراسری ۵ اوت ۲۰۱۲ برابر با ۱۵ مرداد ۱۳۹۱ است. لطفا کاندیداتوری خود را به آدرس ایمیل ویژه کنگره اعلام کنید.

Wupiran.congress2@gmail.com

کمیته برگزاری انتخابات کنگره دوم حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۲ ژوئیه ۲۰۱۲

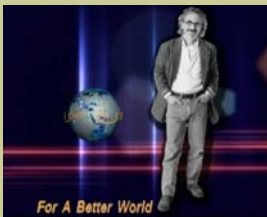
### قرار در مورد

## تحولات در حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

حزب اتحاد کمونیسم کارگری شکست خط راست کورش مدرسی در حزب کمونیست کارگری - حکمتیست را یک پیروزی برای جنبش کمونیسم کارگری دانسته و این حزب را با اعلام برافراشتن پرچم کمونیسم کارگری منصور حکمت نزدیکترین نیروی سیاسی بخود ارزیابی میکند.

دفتر سیاسی حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۲ ژوئیه ۲۰۱۲



### تلویزیون یک دنیای بهتر

برنامه های تلویزیون یک دنیای بهتر  
پنجشنبه ها ساعت ۷ صبح به وقت لس

آنجلس و ۶ و نیم بعد از ظهر بوقت تهران

از شبکه کانال یک پخش میشود.

## گرانی و فقر و فلاکت

### چشم اندازها، چه باید کرد؟

با هیئت دائر دفتر سیاسی حزب ...

"حکومت گرانی نمیخواهیم"، "مرگ بر گرانی"، "مرگ بر حکومت فقر"، "آزادی و رفاه حق مسلم ماست"، "مرگ بر سرمایه داری"، "کارگر، زحمتکش، اتحاد اتحاد"، "زنده باد شوراهای"، "علیه فقر و اختناق اتحاد اتحاد" و ...

از نظر سازمانگری ما از انواع ابتکارات توده ای برای بمیدان کشیدن نیروی محرومان علیه گرانی و فقر و حکومت بانی آن استقبال میکنیم. اما حزب راسا شوراهای و سنت عمل مستقیم کارگری و توده ای را طرح و تبلیغ میکند. چرا که رمز موفقیت هر جنبش وسیع توده ای دخالتگر بودن کلیه کسانی است که در این امر مشترک دخیل اند و شوراهای و مجامع عمومی میتوانند این را تضمین کنند. شوراهای در عین حال ارگانی برای سازماندهی انواع ابتکارات مستقیم توده ای و اعمال قدرت علیه فعال مایشانی اوباش اسلامی و نیروهای متفرقه ارتجاع سیاسی اند. نیروی سرکوب را تنها میتوان با قدرتی آترناتیو از میدان بدر کرد. از نظر ما یک رکن اساسی این قدرت، آترناتیو شوراهای و سازمانهای اعمال اراده مستقیم و مستمر توده های کارگر و زحمتکش در محلهای کار و زندگی هستند. فراخوان ما اینست که همه جا شوراهای را برپا کنید و برای اعمال کنترل و اعمال قدرت در مقابل کنترل و قدرت رژیم اسلامی و سرمایه داران آماده شوید. \*

### زنده باد

**جنبش مجمع عمومی کارگران!**

**زنده باد شوراهای کارگری!**

کارگران در اعتراضات جاری به  
مجمع عمومی متکی شوید! مجمع  
عمومی ظرف اعمال اراده مستقیم  
و مستمر توده کارگران است!

جنبش مجمع عمومی کارگری را  
تقویت و گسترش دهید!

## اسد در حال رفتن است، جنبش آزادی زن باید به میدان آید!

طلبانه تان از نزدیک پیشروی ها و موفقیت‌های شما را دنبال می کند. تجربیات جنبش آزادی زن در ایران می‌تواند سرمایه عظیمی برای شما باشد. باید برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی در راس مطالباتتان قرار گیرد. زنان باید بتوانند در حیات سیاسی جامعه نقش بسزایی داشته باشند.

اسد رفتنی است، جنبش آزادی زن باید علیه استبداد، استثمار، سرکوب و زن ستیزی به میدان آید. این جنبش می‌تواند و باید پیشاپیش جنبش مردم ظاهر شود تا با حضور فعالش، جنبش اسلام سیاسی را عقب زند و آزادی، برابری، رفاه و سکولاریسم را به ارمان بیاورد.

**زنده باد جنبش آزادی زن  
زنده باد آزادی و برابری**

**سازمان آزادی زن  
۲۵ ژوئیه ۲۰۱۲**

مستقلی را تشکیل داد و راه پیشرویهایی بزرگ را کوبید.

بطور حتم با رفتن اسد ضربات بسیار محکمی بر ستون فقرات اسلام سیاسی در منطقه و در راس آن جمهوری اسلامی وارد خواهد آمد. جنبش اسلام سیاسی، جنبشی که بر ترور و وحشت، سرکوبگری جامعه و زنان استوار است با رفتن اسد یکی از مهره های مهم را از دست خواهد داد و این در خود یک امکان تاریخی برای پیشروی جنبش برابری آزادی زن است. جنبش آزادی زن نباید این موقعیت تاریخی را برای رشد و ارتقا و سازماندهی خود از دست بدهد.

جنبش برابری طلب زن در ایران ضمن حمایت همه جانبه از مبارزات آرایخواهانه و برابری

توازن قوا بنفع شماست. باید اسد را نیز همچون چهار مستبد جنایتکار دیگر منطقه از قدرت بزیر کشید. باید ائتلاف بریدگان از دستگاه سرکوب اسد با اسلامیه‌ها و دولتهای غربی را افشا کرد و نگذاشت تا در فرای سقوط و هزیمت بشار اسد سرنوشت جامعه را بدست گیرند. اسد رفتنی است و باید جنبش سرنوشتی را تا درهم شکستن کامل دستگاه مخوف و کشتار آن به پیش برد. ولی در عین حال از هم اکنون باید تلاش کرد که همچون مصر، تونس و لیبی جنبش بر حق تان را در نیمه راه منکوب نکنند. با برافراشتن پرچم آزادیخواهی، ترقیخواهی و خواست جدائی مذهب از دولت می‌توان صف

### مردم آزادیخواه سوریه!

اسد همچون سایر یارانش در مصر، تونس، یمن و لیبی رفتنی است. جنبش آزادی زن، قبل از اینکه نیروهای پروغرب و اسلامی جای اسد را بگیرند و در مقابل جنبش توده ای برای آزادی، برابری و رفاه موانع جدی ایجاد کنند باید به میدان بیایند و پرچم آزادی زن، ترقی خواهی و سکولاریسم را با تمام قوا برافرازند.

موقعیت حساسی است. علیرغم تداوم سرکوب و کشتار وحشیانه در سوریه توسط رژیم بشار اسد، علیرغم درگیریهای شدید نظامی بین اپوزیسیون ناتویی رژیم و طرفداران اسد در دمشق و دیگر شهرهای بزرگ سوریه، تغییر

## شرکت قطعات خودرو هنگار سعی

### تعطیلی و اخراج کارگران، 3 ماه دستمزد معوق!

بنا به خبر دریافتی، بیش از 120 نفر از کارگران شرکت تولیدی قطعات خودرو هنگار سعی از 20 روز پیش تاکنون از کار اخراج و بیکار شده اند. در مرحله اول اخراج و بیکارسازیها که 20 روز پیش اتفاق افتاد 50 نفر از کارگران از کار اخراج شدند و در طی چند روز اخیر با تعطیلی شرکت 70 نفر باقیمانده کارگران نیز هم اکنون از کار اخراج و بیکار شده اند. اخراج و بیکارسازیها در شرایطی است که کارگران اخراجی دستمزدهای 3 ماهه اردیبهشت، خرداد و تیر ماه را هم طلبکارند. "علی محمدی" مدیر شرکت، دزد دستمزدها و عامل اخراج کارگران گفته است: ما که موسسه خیریه باز نکرده ایم به این کارگرها پول و دستمزد بدهیم، ادامه کار شرکت جز ضرر و زیان برای ما نتیجه دیگری ندارد. به دلیل تحریمهای اقتصادی مواد اولیه نیست یا باید آن را از بازار سیاه و واسطه ها با قیمت های چندین برابر تهیه کنیم، فروش هم که نداریم.

هم اکنون شرکت تعطیل است. 120 نفر از کارگران اخراجی و خانواده هایشان مضطرب و نگران در جهنم فقر و گرانی و تورم و بیکاری و بی پولی و سرگردانی به آینده ای تاریک و مبهم چشم دوخته اند. سرگذشت سیاه و تلخی که حکومت اسلامی سرمایه داران و تروریسم دولتی غرب به سرکردگی آمریکا بر ایمن رقم زده اند. اگر مواد اولیه نیست، اگر حلقه فشارها و تحریمهای اقتصادی هر روز تنگ تر میشود، اگر بازار و مکانیسم گردش و سودآوری سرمایه به لجن نشسته است، اگر حکومت اسلامی به زعامت مشتی آخوند مجنون و بیمار روانی به دنبال صدور تروریسم و بمب اتم و هر جنایت دیگری هستند، چرا باید ما کارگران و خانواده هایمان تاوان این همه جنایت و دزدی و انحطاط سرمایه داری و حکومت اسلامی را بپردازیم؟ مرگ بر تحریم اقتصادی، مرگ بر حکومت اسلامی، مرگ بر سرمایه داری!

شرکت هنگار سعی واقع در منطقه صنعتی قلعه حسن خان تهران تا چند روز پیش و قبل از تعطیلی با 120 نفر کارگر با قراردادهای یکطرفه و موقت سفید امضا با دستمزدهای 389 هزار تومانی طرف قرارداد شرکت سایپا و سازنده انواع لوازم جانبی خودرو از قبیل آینه، تو دری و ... بود که در حال حاضر ظاهرا به دلیل کمبود مواد اولیه و همچنین به دلیل بحران و کاهش تولید در شرکت سایپا که منجر به لغو قراردادهای و سفارشات کاری سایپا با شرکت گردیده، تعطیل شده است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۴ مرداد ۱۳۹۱ - ۲۵ ژوئیه ۲۰۱۲





شهلا نوری

## سیاست یا رقابت فرقه ای کور؟

پاسخ به همایون ایوانی

چیزی که خواهد گفت اینست که این افراد و جناب ایوانی چشمشان را بسته اند و دهانشان را باز کرده اند و یا خواهد گفت اینها چراغ سبز به همان کسانی میدهند که قرار است در صندلی اتهام نشاندند شوند. حتی اگر خودشان نفهمند که دارند اینکار را میکنند. خواهند گفت ایوانی یا حالش خوب نیست یا فکر میکند علی آباد هم شهر است.

تو و امثال تو بعنوان قربانی و زندانی سیاسی، در مقابل رژیم اسلامی، مورد دفاع همه کسانی بودید که امروز بی ترمز به آنها تهمت میزنید و راجع به آنها چرند میگوئید. توصیه میکنم سیاست را با سیاست و نقد را با نقد پاسخ بده و از این دنیای حقیر فرقه ای و رقابت و دکانداری سیاسی بیرون بیا. جا برای دفاع از زندانی سیاسی و فعالیتهای شرافتمندانه و آزادیخواهانه تنگ نشده است. این هنر بقالهای سر کوچه را به همان بقالها واگذار کن و کمی سیاسی و مسئول شو. کسی که چنین تصویر زشت و غیر مسئولانه ای از خود بدست میدهد، ناظرین حتی شایستگی دفاع از زندانی سیاسی اش را زیر علامت سوال خواهند برد. جناب ایوانی، درست است دنیای اینترنت است اما بقول معروف در دیزی باز است حیای گربه کجارتفته!

۲۰ جولای ۲۰۱۲

"شاهکار" هائی بود که روی کاغذ آوردید. اگر فکر میکنی با ترور شخصیت و ترهات گوئی و دروغگوئی بجائی میرسید و پاسخ نمیگیرید اشتباه میکنید. کمی سیاسی باشید. کمی رشد کنید. اگر مشکل سیاسی با سهند و اتحاد مبارزان و هر بخش از کمونیستهای ایران دارید، آسمان ریسمان نمیخواهد. مثل یک آدم سیاسی جدی قلم بدست بگیرید و مواضعتان را بگوئید و پاسخ بشنوید. اگر کینه شتری و رقابت دارید متأسفانه باید بگویم به اسم چپ و سوسیالیسم و انقلابیگری تاکنون از این نمذ کلاهی برای کسی درست نشده است و بهتر است برای جا و مقام سراغ همان نهادهای امپریالیستی غیر آمریکائی بروید. کسی که یک کمونیست خوشنام و یک مبارز دیرین آزادی زن را با همکار ساواک مقایسه میکند، یا آدم پرتی است یا کمپلکس شخصی و محاسبات خرد عقلش را ستانده و یاریگی به کفش دارد.

من ایوانی را نمیشناسم اما مطمئنم هر کسی که این مطلب شنید را میخواند، کسی که میشود تلاش عده ای انسان شریف و خانواده ها و شکنجه شده های رژیم اسلامی برای برملا کردن گوشه ای از جنایات جمهوری اسلامی را عده ای دیگر با "عوامل امپریالیسم"، "بازی در زمین دیگران"، مقایسه با شکنجه گر ساواک و ترهات دیگر مقایسه میکنند، حتی آنها که با کمونیسم آذر ماجدی و افراد تریبونال و مدافعین سیاسی این حرکت مشکل سیاسی دارند، اولین

را عوضی نمیگرفت. شما جزئی را وارد ماجرا میکنید که سیاست را به دهن دریدگی برسانید. طوری حرف میزنید که انگار همان وقتها با بیژن جزنی داشتید راجع به مسائل بحث میکردید و تصمیم میگرفتید و رفیق گرمابه و گلستان هم بودید! اما درد شما حتی زندانی سیاسی نیست، اگر بود این نمایش نشر اکاذیب و توهین و فحاشی و پرونده سازی موضوعیت نداشت. درد شما کمک گرفتن از نهادهای امپریالیستی هم نیست. درد شما رقابت کور با افراد و جریانات فعال بغل دستی است. میخواهید به این منش عقبمانده لباس سیاست "ضد امپریالیستی" بپوشانید. اما هرچه جلوتر میروید بیشتر آبروی خودتان را میبرید. شما سال گذشته در گوتنبرگ جلسه یادمان زندانیان سیاسی گذاشتید. نه آذر ماجدی و نه تریبونال و نه سازمان اقلیت و نه دیگران به شما حمله نکردند. نگفتند چرا از پادو کنفرانس آلترناتیو سازی اولاف پالمه و نهادهای "خیلی مردمی" کمک گرفتید و تریبون به آنها دادید؟ نگفتند چرا با اکثریتیها و سبزهها همکاری داشتید؟ همان برگزار کنندگان و همکارانتان صدایشان در آمد و باز سیاسیون مسئول اقدامی که برای افشای جمهوری اسلامی است را زیر سوال نبردند. اما شماها از سر رقابت خرد و فرقه ای اینکار را کردید.

اینجا من با مردم آزادیخواه و سیاسیونی حرف میزنم که اصول سیاسی و اخلاقی را به هر دلیلی حراج نمیکنند و علیرغم هر نقد سیاسی به این و آن جریان و گروه حس تناسب را از دست نمیدهند. فردی به نام "همایون ایوانی" که گویا دایه مهربانتر از مادر بحال زندانیان سیاسی شده است، در جریان بحثهای مربوط به تریبونال لندن، آذر ماجدی یکی از کمونیستها و شخصیتهای شناخته شده اپوزیسیون ایران را با پرویز نیکخواه همکار ساواک مقایسه کرده است! ایوانی البته بیژن جزنی را هم به کمک طلبیده است و اظهار نظر جزنی راجع به نیکخواه، این آقا را یاد آن نامه در مورد موضع سیاسی و اصولی آذر ماجدی انداخته است. ایوانی بعد از کلی آسمان ریسمان تلاش کرده پشت مانیتورش پیروز میدان جنگ ممسنی باشد. درد ایوانی البته تنها تریبونال لندن نیست، گویا او با سهند و اتحاد مبارزان کمونیست مشکل دارد. راستش مشکل ایشان حقیرتر است. کل این داستان انتقاد "ضد امپریالیستی" و کشف اینکه تریبونال لندن و شرکت کنندگان و حامیان "آلت دست نهادهای امپریالیستی" شدند و "در زمین آنها بازی کرده اند"، تنها بازتاب یک رقابت فرقه ای و سبک و غیر مسئولانه است که بدوا قد سیاسی گویندگانش را در مقابل عموم بنمایش میگذارد. بقیه ماجرا حرف مفت است. به همین سادگی و سراسرستی.

نمیدانم اگر جزئی زنده بود و این سو استفاده سیاسی ایوانی را میدید چه میگفت. بدون تردید جزئی، برخلاف ایوانی، دوست و دشمن

به حزب اتحاد کمونیسم کارگری

کمک مالی کنید!

شما و طیفی از راه کارگر سیاست تان در ایندوره، آنهم با هزار معلق، این

# زنده باد شوراها

ارگانهای اعمال اراده توده ای را همه جا برپا کنید!

مصوب دفتر سیاسی حزب

۱- بار دیگر جامعه ایران در آستانه تحولات عظیم و تاریخساز قرار گرفته است. مردم آزادیخواه حکم به سرنگونی رژیم اسلامی داده اند و هم اکنون دست بکار بزیر کشیدن آن هستند. پیشروی مبارزات توده های بیخوابسته مردم و تحقق سرنگونی رژیم اسلامی بشکلی سازمانیافته و در سریعترین و کم مشقت ترین شکل در گرو ساختن ارگانهای مبارزاتی و اعمال اراده توده ای مردم، شوراها، در سراسر جامعه است.

۲- یک هدف شوراها گرفتن بخش هر چه وسیعتری از قدرت توسط توده کارگران و مردم است. این ارگانها ابزار متحد شدن، سازماندهی مبارزه انقلابی و آزادیخواهانه، اعمال قدرت کارگران و مردم زحمتکش و نفی قدرت سرمایه و جمهوری اسلامی است. شوراها همچنین از ارگانهای قیام علیه جمهوری اسلامی اند. باید همه جا، در محیط زیست و کار در سطح محلی و سراسری شوراها را سازمان داد.

۳- شورا کاراترین، مناسبترین و ساده ترین ظرف اتحاد و اعمال اراده توده ای است. شورا ضامن اعمال اراده مستقیم و مستمر توده های مردم است و باید جایگزین قدرت ارتجاع اسلامی شود.

۴- طبقه کارگر باید بسرعت شوراهای خود را ایجاد کند. شوراها امر اتحاد صفوف کارگران، تامین استقلال طبقاتی و اتخاذ سیاست کنترل کارگری را تسهیل میکند. شوراها امکان حضور طبقه کارگر بعنوان رهبر شایسته جنبش سرنگونی طلبانه توده های مردم را فراهم میآورد. کارگران سوسیالیست باید پیشرو ایجاد شوراها در محیط زیست و کار باشند.

۵- شوراهای محلات در شرایط امروز از اهمیت ویژه ای برخوردار است. تجربه عملی همین دوره نشان میدهد که محلات و تجمعات مبارزاتی در آن، پایه سازماندهی حرکات اعتراضی وسیع و بویژه تظاهرات شبانه است. باید کنترل محلات را از دست جمهوری اسلامی و نیروی سرکوبگر آن خارج کرد.

۶- حزب اتحاد کمونیسم کارگری، کارگران و مردم زحمتکش را به برپائی شوراها فرامیخواند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۳ ژوئن ۲۰۰۹

## کارگران معدن

### و کارخانه گچ زمرد گرمسار

3 ماه دستمزد معوق!

بنا به خبر دریافتی، دستمزدهای 3 ماهه اردیبهشت، خرداد و تیر بیش از 60 نفر از کارگران معدن و کارخانه تولیدی گچ زمرد گرمسار تا امروز چهارم مرداد پرداخت نشده است. اعتراض و پیگیری و پافشاری کارگران در طی 3 ماه گذشته برای دریافت دستمزدهای پرداخت نشده به دلیل کارشکنی و مخالفت "میرآخوری" مالک و مدیر کارخانه تا امروز بی نتیجه بوده است. جواب همیشگی میر آخوری در عین تهدید کارگران به اخراج این است: بهای سوخت و برق و انرژی توسط دولت گران شده است پس من هم پولی برای پرداخت دستمزدهای شما کارگران ندارم!

یکی از کارگران میگفت: کار پر خطر و پر اضطراب در معدن، در اعماق زمین، در جایی که نور و اکسیژن کافی هم برای تنفس موجود نیست، مدفون شدن در زیر آوار و مرگ هر لحظه در کمین است. صبح که به معدن میرویم معلوم نیست آیا دوباره نور و روشنایی را خواهیم دید. آیا دوباره زنده خواهیم ماند و خانواده ها و عزیزانمان را خواهیم دید یا نه؟ کار در معدن گچ برای آنهایی که پس از سالها رنج و کار هم زنده بمانند مساویست با انواع بیماریها، بخصوص ابتلا به انواع بیماریهای مزمن و لاعلاج تنفسی. این همه رنج و خطر و فشار کاری در ازای ماهی 300 تا 350 هزار تومان، دستمزدهای ناچیزی که حتی امثال میرآخوری از پرداخت آن طفره میروند، تا حسابهای بانکیشان پرتر شود. تا فقر و بدبختی و گرسنگی و محرومیت بیشتری به زندگی ما کارگران و خانواده هایمان تحمیل شود. تا زندگی ما از این هم که هست فاجعه بارتر شود. 3 ماه است یک ریال دستمزد دریافت نکرده ایم، اجاره 2 اتاق بی امکانات و محقر در همین گرمسار خودمان حداقل 5 میلیون تومان پیش و ماهی 200 تا 300 هزار تومان کرایه، یک کیلو مرغ 8 هزار تومان، یک کیلو برنج وارداتی هندی که بقول خود حکومتیها سرطان زا هم هست 3 هزار تومان، گوشت کیلویی 25 هزار تومان و... دست به هر چیزی که میزنی عین مار گزنده است. گرانی و فقر و بیکاری و بی درآمدی بیداد میکند و این نتیجه دشمنی و دزدی و جنایت مشترک حکومت اسلامی و سرمایه داران برای نابودی ما خانواده های کارگریست.

معدن و کارخانه تولیدی گچ زمرد گرمسار با بیش از 60 نفر کارگر قراردادی با قراردادهای 3 ماهه و دستمزدهای 389 هزار تومانی پرداخت نشده و ساعت کاری نامحدود و نامعلوم در شهرستان گرمسار واقع است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۴ مرداد ۱۳۹۱ - ۲۵ ژوئن ۲۰۱۲

## بحران آخر:

### ریشه های سیاسی بن بست اقتصادی رژیم اسلامی ...

نگذاشت. دلالی و معامله گری، بخصوص بازی با ارز، سودآورترین قلمرو برای سرمایه در بازار داخلی باقی ماند. اما علت این ناکامی ها در خود این سیاستها نبود. مشکل بر سر عدم توفیق در اجرای ابعاد دیگر پلانفرم رفسنجانی بود.

جمهوری اسلامی در بن بست است، زیرا در عصر کمبود سرمایه در سطح جهانی، در عصر شکست استراتژی های توسعه مبنی بر حمایت از بازار داخلی، در عصر جهانی شدن سرمایه و نقش کلیدی سرمایه و تکنولوژی غربی در تولید صنعتی، در عصر بازار آزاد و رقابت تکنولوژیک برای بازارهای فراملی، هنوز یک "جمهوری اسلامی" است. کارگر ایرانی، با توجه به سطح عمومی توان صنعتی و فنی و عملی اش، جزو ارزانترین ها در دنیاست. اما حتی اگر مزد را به صفر برسانند و اعتصاب را با اعدام جواب بدهند، باز ایران به یک حوزه اقتصادی دارای رابطه ارگانیک با سرمایه داری غربی تبدیل نمیشود. مشکل رژیم ایران نظیر مشکل برزیل نیست. به روسیه شبیه است. مشکل سرمایه داری ایران اقتصادی نیست، سیاسی، ایدئولوژیکی و حکومتی است.

آیا نفت را از قلم نینداخته ایم؟ آیا معقول تر نیست کاهش بهای نفت را در بن بست رژیم برسمیت بشناسیم. بنظر من به دو دلیل نفت فاکتوری محوری نیست. اولاً، نفس سقوط قیمت نفت و ناتوانی تولید کنندگان از ایجاد ثبات در بازار نفت مستقیماً به اوضاع سیاسی در خاورمیانه و بافت حکومتی آن

غرب، برای مثال، تنها توسط رژیم ایران تعیین نمیشود. مساله اعراب و اسرائیل، مساله تروریسم اسلامی و غیره، اگر نخواهیم عقب تر برویم، جدایی های استراتژیک تری میان سرمایه داری های پیشرفته آمریکا و اروپا با کشورهای به اصطلاح مسلمان نشین خاورمیانه و شمال آفریقا ایجاد کرده است. کشورهای اسلام زده، مستقل از جد و جهد و جانماز آب کشیدنهای رهبرانیشان، در این عصر حوزه مساعد انکشاف سرمایه و تکنولوژی غربی نیستند.

ثالثاً، برای اینکه سرمایه به صنعت پا بگذارد، بخصوص صنایع سنگین که دور گردش سرمایه در آنها طولانی است و حتی راه اندازی و به سود رساندن آنها به طول میانجامد، ثبات سیاسی و امنیت سیاسی سرمایه برای یک دراز مدت اقتصادی لازم است. برای جمهوری اسلامی دادن چنین تصویری از خود چه به سرمایه دار داخلی که فعلاً تجارت و دلالی میکند و چه به سرمایه دار خارجی، بسادگی مقدور نیست.

به این اعتبار رفسنجانی عملاً نتوانست، و در شکل موجود نمیتوانست، پلانفرم خود را پیاده کند. بعد اقتصادی "سیاست رفسنجانی" از قضا ساده ترین و مورد توافق ترین بعد آن بود. هرچند وجوهی از این سیاست عملاً ناکام باقی ماندند. آزاد کردن رابطه ریال و دلار به ثبات قیمتها و کاهش ارزش دلار منجر نشد، برای بنگاههای دولتی مشتری پیدا نشد، علیرغم کاهش شدید سطح دستمزدها، بخصوص به معادل دلاری آنها، تحرک جدی ای به سرمایه گذاری در بخش صنعتی در ایران مشاهده نشد. سرمایه تجاری پا به قلمرو صنعت

## بحران آخر

ربط دارد. رونق نفتی سالهای هفتاد میلادی بدون وجود یک ایران و یک عربستان سعودی پرو - آمریکایی و غربی و طیفی از کشورهای نفتی با دولتهای متحد و مشترک آمریکا، عملی نبود. وجود جمهوری اسلامی و تکاپوی اسلامی و تضادها و کشمکشهای اساسی میان دول منطقه، فاکتور مهم تری در سقوط قیمت نفت در مقایسه با اشباع انبارهای اروپای غربی است. ثانیاً، در غیاب این فاکتورهای استراتژیکی و غیر اقتصادی (به معنای روزمره کلمه) اقتصاد ایران حتی در بدترین حالت به یک سوبسید چند میلیارد دلاری از محل نفت دسترسی دارد که بسیاری از کشورهایی که استراتژی صنعتی شدن را نسبتاً با موفقیت پیش برده اند، یا لاقلاً از ثبات و رشد بادوام تری برخوردار شده اند، از آن محروم بوده اند. بهای نفت مهم است و حتی از نظر عددی حیات و مامت رژیم به آن گره خورده است، اما مبنای بن بست امروز رژیم نیست.

شکست سیاست رفسنجانی و شروع تجدید نظر در ابعاد اقتصادی این سیاست، بنظر من گویای فلج رژیم اسلامی از نظر سیاست اقتصادی است. این البته دوران "نظم نوین" است و باید جا را برای محیرالعقول ترین تحولات باز گذاشت. چه بسا شکاف در غرب، ظهور یک آلمان از ناتو جسته و اتمی و در تدارک جنگ با رقبا که دنبال متحدی در منطقه میگردد، نه فقط جمهوری اسلامی بلکه اسلام بطور کلی را برهاند. اما بر مبنای فاکتورهای قابل پیش بینی دنیای امروز، بنظر بن بست اقتصادی جمهوری اسلامی بن بست آخرش است. تجدید نظرها و سازماندهی اقتصاد صبر و دفع وقت شاید انفجار سیاسی محتوم را چند صباحی به عقب بیاندازد. اما مرحله مهم بعدی در سرنوشت جمهوری اسلامی، مرحله ای سیاسی است.

## اطلاعیه در باره سایت حزب

به اطلاع میرسانیم که مشکل فنی سایتهای حزب برطرف و بازدیدکنندگان میتوانند برای دنبال کردن سایتهای حزب به سایتهای زیر مراجعه کنند:

[www.wupiran.org](http://www.wupiran.org)

[www.wupiran.net](http://www.wupiran.net)

روابط عمومی حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۵ ژوئیه ۲۰۱۲

## کتاب

# کنترل کارگری

را از سایت حزب

دریافت و توزیع کنید!

## بحران آخر:

### ریشه های سیاسی بن بست اقتصادی رژیم اسلامی

منصور حکمت



بود. رفسنجانی بر مبنای این پلاتفرم روندی را شروع میکرد. اما نه او و نه رژیم اسلامی آن را به پایان نمیبرد.

#### این تبیین چند مشکل اساسی داشت

اولا بنا به ماهیت جمهوری اسلامی، موقعیتش در معادلات جهانی و نیز ترکیب جناحهای داخلی اش، این سیر حرکت نمیتوانست تدریجی بماند و یا حتی مراحل اولیه اش را در آرامش طی کند. تغییرات مستتر در پلاتفرم جامع رفسنجانی برای جمهوری اسلامی تکان دهنده تر از آن بود که بدون کشمکش حاد و تعیین تکلیف بنیادی در رژیم جلو برود. رفسنجانی برای پیاده کردن پلاتفرم خویش مبیایست در قدم اول، و نه حتی در قدم دوم، به یک نبرد سیاسی سرنوشت ساز بر سر خود جمهوری اسلامی، اسلام و ولایت فقیه و جایگاه اینها در ساختار سیاسی ایران وارد بشود. نبردی که با توجه به ترکیب و موقعیت نیروهای سیاسی بورژوازی حاکم در ایران هرگاه و از هر طرف آغاز شود، بشدت قهرآمیز و خونین خواهد بود.

ثانیا، اساسا بخشی از این تغییر ریل در حیطه قدرت رژیم ایران نبود. موقعیت اسلام و اسلامیت در رابطه با

سرمایه از تعرض ماوراء اقتصادی دولت و نهادهای اسلامی متفرقه.

۳ - بهبود رابطه با غرب. پیوستن به جامعه کشورهای متعارف. از این طریق قرار گرفتن در حوزه مجاز توسعه اقتصادی و صدور سرمایه، دسترسی به بازار خرید و فروش، منابع سرمایه گذاری، تکنولوژی و تخصص در بازار جهانی.

۴ - درجه ای از تخفیف در فشار فرهنگی و اخلاقی اسلام و رژیم اسلامی به مردم برای دادن نمای یک جامعه متعارف و قابل تحمل برای بورژوازی.

مستقل از اینکه رفسنجانی و مهره های اصلی این جناح خود تا چه حد صریح یا سربسته مواد این پلاتفرم را بیان میکردند، این تصویری بود که دول غربی، جمهوریخواهان و ملیون ایرانی در خارج کشور و مردم به عصیان آمده کشور از جناح رفسنجانی ساخته بودند. عبارت "جناح معتدل" که در میان دول غربی رواج یافت بر همین خصلت نمایی از جناح رفسنجانی متکی بود. باز به همین عنوان بود که رفسنجانی در میان اپوزیسیون ملی و لیبرال ایرانی در خارج کشور طرفدار پیدا کرد و برای توده مردم ایران سمبل "شر کمتر" شد.

خام اندیشی است اگر فکر کنیم آمریکا، مردم ایران و یا حتی جمهوریخواهان و ملیون در اپوزیسیون به پدیده رفسنجانی بعنوان یک آلترناتیو در خود مینگریستند. برای همه، و هر یک به نوعی، جناح رفسنجانی مبین آغاز یک پروسه تغییر بازگشت ناپذیر در جمهوری اسلامی و نفی نهایی آن در آینده ای دور یا نزدیک

استراتژیکی اند، در اقتصاد سیاسی دوران حاضر ریشه دارند و به ماهیت و جایگاه خاص جمهوری اسلامی و جنبش اسلامی در جهان امروز برمیگردند. بعبارت دیگر این سیاست رفسنجانی نیست که اقتصاد جمهوری اسلامی را به بن بست رسانده است، بلکه برعکس این بن بست جمهوری اسلامی است که سیاست اقتصادی رفسنجانی را به شکست کشانده است. خروج سرمایه داری ایران از این سیر قهقراپی نیز منوط به کشف یا غلبه سیاست اقتصادی "درست" نیست. راه خروج بورژوازی ایران نیز اساسا راهی سیاسی است.

#### شکست "پدیده رفسنجانی"

رفسنجانی بر مبنای یک پلاتفرم مشخص در دور اول به ریاست جمهوری رسید. او صرفا یک حرکت اقتصادی در محدوده بازار داخلی را نمایندگی نمیکرد. پلاتفرم رفسنجانی، و یا بهرحال آن جهنگیری و افقی که چه غرب و چه بورژوازی صنعتی ایران در سیمای رفسنجانی جستجو میکرد، بر ارکان زیر متکی بود:

۱ - انتقال از اقتصاد نیمه دولتی، دستوری و مدیریت شده و اضطراری حاصل دوران خمینی به یک اقتصاد بورژوایی متعارف متکی بر بازار.

۲ - ایجاد ثبات و امنیت حقوقی و اداری برای سرمایه. اعاده تقدس مالکیت و مصون بودن

این واقعیت که رژیم اسلامی از نظر اقتصادی به بن بست رسیده و سیاست اقتصادی جناح رفسنجانی به نتایج مورد نظر منجر نشده حتی توسط خود برنامه ریزان رژیم چندان انکار نمیشود. برنامه دوم، در فضایی از ناباوری و دودلی نسبت به محورهای اصلی سیاست اولیه رفسنجانی، نظیر خصوصی کردن ها، شناور کردن و یک نرخی کردن ریال، حذف سوبسیدها، آزاد کردن واردات و غیره، بعنوان یک برنامه برای بقاء اقتصادی و دفع وقت ارائه شده است. واقعیت اینست که هیچ جناح دیگری، نه دولترگراهای حزب الله سابق و نه افراطیون مدافع بخش خصوصی در جناح رسالت قادر نیستند و حتی تلاش جدی ای نمیکند آلترناتیوی به سیاستهای اقتصادی جاری پیشنهاد کنند. جمهوری اسلامی در یک فلج برنامه ای در قلمرو اقتصادی گرفتار است. این را همه حس کرده اند و به طرق مختلف وحشتشان را از عاقبت سیاسی روندی که هیچیک راهی برای توقف آن سراغ ندارند ابراز میکنند.

غالبا در تجزیه و تحلیل بن بست اقتصادی رژیم و در نقد ریشه ها و نتایج آن، تکیه یکجانبه و به اعتقاد من فرمال و نابجائی بر پارامترهای اقتصادی درون ایران و از آن بارزتر بر اجزاء عملی "سیاست رفسنجانی" گذاشته میشود. بنظر من ریشه بن بست اقتصادی رژیم اساسا اینجا نیست. فاکتورهای بنیادی تری خارج از قلمرو "اقتصاد ایران" و روندها و تضادهای داخلی آن، رژیم اسلامی را بعنوان یک "پروژه اقتصادی" به شکست محکوم کرده اند. این فاکتورها جهانی و